

گذری بر مصادیق و گستره ی تاریخی جرایم بین المللی مندرج در ICC و دادگاه‌های موقتی و دائم دادگاه‌های کیفری بین الملل

شهرام روشندل

مدرس دانشگاه، پژوهشگر دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، عضو رسمی مرکز وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضائیه

چکیده

در این نوشتار تلاش بر این است که مصادیق جرایم بین المللی مندرج در ICC اعم از نسل‌کشی، جرایم علیه صلح، جرایم جنگی، جنایت علیه بشریت و جرم تجاوز را تبیین و نکات مهم آن را روشن و مختصری از تاریخچه و شکل‌گیری آن را بیان گردد. معمولاً واژگان «جنایت جنگی»، «جنایت علیه بشریت»، «تجاوز» و «نسل‌کشی» به جای یکدیگر به کار می‌روند، گویی همگی به اعمال یکسانی دلالت می‌کنند. اما، این کلمات دارای تعاریف دقیق حقوقی و مفاهیم و پیامدهای متفاوتی هستند. برای رسیدگی به جرایم بین المللی ابتدا دادگاه‌های موقت تشکیل شد، که وظیفه ی جنایات ارتكابی در یوگسلاوی و رواندا در دهه آخر قرن بیستم موجب تشکیل دو دیوان کیفری بین المللی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تعقیب جنایتکاران شد و پس از آن دادگاه کیفری بین المللی فقط مهمترین جرایم بین المللی را رسیدگی می‌کند که عبارتند از نسل‌کشی، جنایت ضد بشریت، جنایت جنگی و تجاوز اراضی را بصورت دائمی و با استقلال کافی برعهده گرفت. در این مقاله برآنیم مصادیق جرایم بین المللی ذاتی و شقوق آنرا بررسی؛ آنگاه روش‌های مواجهه و پاسخ به این جرایم را مورد ارزیابی قرار دهیم. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که زمینه ی تفسیر موسع و گسترده بلحاظ تعدد مصادیق در این جرایم وجود دارد. با گذشت بیش از ۵۵ سال از امضای کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌زدایی، هنوز بر سر موضوع ساختار عناصر این جرم اختلاف نظر وجود دارد. بی‌دلیل نیست که ماده ۹ اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری لازم دانسته است عناصر جرایم از جمله نسل‌زدایی با اکثریت دو سوم آرا اعضای مجمع دولت‌های متعاقد پذیرفته شود.

واژه‌های کلیدی: اساسنامه دیوان، جرایم ذاتی بین المللی، مصادیق جرایم بین المللی، سازمان ملل

۱- مقدمه

مهمترین سازمان و دادگاه حقوقی در جهان، سازمان ملل متحد است که طرح تأسیس آن پس از جنگ جهانی دوم پایه ریزی شده است. اساسنامه یا منشور ملل متحد برای شناسایی این سازمان، بیش از پیش حائز اهمیت است. بعد از پایان جنگ جهانی دوم طرح تأسیس سازمان ملل متحد با فلسفه حفظ و حراست از صلح و امنیت بین المللی در ذهن کشورهای توسعه یافته رقم خورد. اغلب کشورها جلسات مختلفی را برگزار کردند از جمله این جلسات منشور آتلانتیک، اعلامیه سازمان ملل، کنفرانس مسکو، کنفرانس تهران، کنفرانس بالیا و کنفرانس سان فرانسیسکو بودند که مبنای تأسیس سازمان ملل محسوب می شوند. در بین این کنفرانس ها پی ریزی و بنیان یک نهاد مستقل که بتواند صلح جهانی را پی ریزی کند، بحث و گفتگو شد. در سال ۱۹۴۵ در شهر سانفرانسیسکو آمریکا با حضور ۵۰ کشور دنیا کنفرانسی برگزار شد که در آن طرح منشور ملل متحد به تصویب رسید و رسماً سازمان ملل متحد بعد از پایان این جلسه به رسمیت شناخته شد. متن نهایی این منشور به تصویب ۵۰ کشور به غیر از لهستان رسید و این متن لازم الاجرا شد و اغلب کشورهای دنیا این متن را تاکنون امضا کردند و رعایت مفاد آن بر تمامی این کشورها لازم الاجرا است. این متن یک متنی است که مقدم بر قرار بین المللی است. متن منشور ملل متحد اهداف و ساختار سازمان ملل را تعیین می کند. ساختار این منشور شامل یک مقدمه و ۱۱۱ ماده و یک ضمیمه مربوط به اساسنامه دیوان کیفری و بین المللی است. در ماده ۱ اساسنامه مقاصد و اهداف سازمان ملل متحد را مطرح می کند که به قرار زیر است: حفظ صلح و امنیت بین المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته جمعی موثر برای جلوگیری و بر طرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هر گونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین المللی یا وضعیت هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه های مسالمت آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل. (شریعت باقری، ۱۳۸۷، ۱۴-۱۷) معمولاً واژگان «جنایت جنگی»، «جنایت علیه بشریت» و «نسل کشی» به جای یکدیگر به کار می روند، گویی همگی به اعمال یکسانی دلالت می کنند. اما، این کلمات دارای تعاریف دقیق حقوقی و مفاهیم و پیامدهای متفاوتی هستند. اعمالی همچون شکنجه، تجاوز، برده داری و حبس غیرقانونی هم به عنوان جرائم معمولی قابل مجازات هستند هم بسته به شرایط به عنوان جنایات جنگی یا جنایت علیه بشریت. یک تفاوت مهم آن است که جنایات جنگی تنها در حین درگیری مسلحانه واقع می شوند در حالی که جنایت علیه بشریت ممکن است در هر زمانی واقع گردد از جمله زمان صلح یا در شرایط خشونت آمیز که به درگیری مسلحانه نمی رسد. معمولاً واژگان «جنایت جنگی»، «جنایت علیه بشریت» و «نسل کشی» به جای یکدیگر به کار می روند، گویی همگی به اعمال یکسانی دلالت می کنند. اما، این کلمات دارای تعاریف دقیق حقوقی و مفاهیم و پیامدهای متفاوتی هستند. جنایت جنگی، همانگونه که از واژه «جنایت جنگی» بر می آید، جنایاتی هستند که در ارتباط با یک درگیری مسلحانه مرتکب می شوند؛ خواه بین المللی باشند یا نه. واژه «جنایت جنگی» افعال مختلف و گسترده ای را شامل می شود، از جمله تجاوز و شکنجه که اگر در زمان صلح یا در شرایط خشونت آمیزی که درگیری مسلحانه نباشد حادث گردند، تحت قوانین ملی قابل مجازات خواهند بود. لذا، «جنایات جنگی» نقض قوانین و عرف جنگ است. با این وجود، هر نقض قوانین جنگ «جنایت جنگی» نخواهد بود. نقض قوانین و عرف جنگ تنها زمانی «جنایت جنگی» شناخته می شود که به اندازه کافی «جدی» باشد که یعنی مرگ، جراحت، تخریب یا تصاحب غیر قانونی مال را در بر داشته باشد، یا بدون آن که به طور فیزیکی مستقیماً اشخاص یا اشیاء را به خطر اندازند ارزش های مهم را نقض کنند. برای مثال، جنایات جنگی شامل سوء استفاده از اجساد، رفتار تحقیرآمیز با اشخاص، واداشتن افراد به انجام کارهایی که مستقیماً به عملیات نظامی دشمن کمک می کند، نقض حق محاکمه عادلانه، استفاده و

بکارگیری کودکان زیر ۱۵ سال برای مشارکت در درگیری های مسلحانه، و گرسنگی دادن به غیرنظامیان می گردد. برای نمونه، درحالی که دزدیدن تکه ای نان از روستاییان نقض احترام به اموال شخصی ایشان است، پیامدهای این عمل به اندازه ای جدی نخواهد بود که آن را جنایت جنگی بدانیم. در مقابل، بمباران ناوایی این روستا با هدف گرسنگی دادن به جمعیت غیر نظامی یک جنایت جنگی تلقی می شود. به علاوه، شماری از نقض های کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷، که طبق تعریف تنها به مخاصمات مسلحانه بین المللی مربوط می شود، نه تنها جنایت جنگی هستند بلکه حتی فراتر از آنها به عنوان «نقض جدی» تلقی می شوند. این اعمال شامل شکنجه، آزمایش های بیولوژیک، تخریب گسترده اموال، تبعید، و گروگان گیری می باشند. جنایت علیه بشریت اعمالی همچون شکنجه، تجاوز، برده داری و حبس غیرقانونی هم به عنوان جرائم معمولی قابل مجازات هستند هم بسته به شرایط به عنوان جنایات جنگی یا جنایت علیه بشریت. یک تفاوت مهم آن است که جنایات جنگی تنها در حین درگیری مسلحانه واقع می شوند درحالی که جنایت علیه بشریت ممکن است در هر زمانی واقع گردد از جمله زمان صلح یا در شرایط خشونت آمیز که به درگیری مسلحانه نمی رسد. تفاوت دیگری که میان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت وجود دارد آن است که جنایت جنگی می تواند اقدامات منفرد و مجزا بوده در حالی که جنایات علیه بشریت جنایاتی هستند که در مقیاس بزرگ مرتکب می شوند. آنچه واقعاً اهمیت دارد آن است که جنایات علیه بشریت از یک حمله گسترده یا نظام مند است که علیه جمعیت غیرنظامی هدایت شده است. برای مثال، یک عمل منفرد تجاوز که مرتبط با یک درگیری مسلحانه مرتکب می شود به وضوح یک جنایت جنگی است. هرچند اگر این عمل به عنوان بخشی از یک الگوی گسترده تر و نظام مند تجاوز به غیرنظامیان مرتکب شده باشد جنایت علیه بشریت است.

تفاوت دیگری که میان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت وجود دارد آن است که جنایت جنگی می تواند اقدامات منفرد و مجزا بوده در حالی که جنایات علیه بشریت جنایاتی هستند که در مقیاس بزرگ مرتکب می شوند. آنچه واقعاً اهمیت دارد آن است که جنایات علیه بشریت به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا نظام مند است که علیه جمعیت غیرنظامی هدایت شده است. واژه نسل کشی تا پیش از جنگ جهانی دوم ساخته نشده بود. این واژه (genocide) ترکیبی از دو کلمه است: کلمه یونانی «genos»، به معنای تولد و گونه و کلمه لاتین «caedere»، به معنای کشتن یا قتل عام کردن. بنابراین به معنای کشته شدن یا قتل عام شدن مردم به علت آنچه که هستند می باشد. طبق تعریف حقوقی اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، جنایت نسل کشی هنگامی مرتکب می شود که یکی از اعمال فهرست شده در بند ۶ «با نیت نابودی بخش یا تمامی یک ملت، قومیت، نژاد یا گروه مذهبی و اینچنین مرتکب گردد. طبق اصل صلاحیت جهانی، بعضی از جرائم بین المللی به قدری اهمیت دارند که دولت ها ملزمند مرتکبین آن جرائم را فارغ از ملیت آنها یا محل ارتکاب جرم پای میز عدالت آورند. این یک اصل حقوق عرفی است و بدان معنی است که کلیه دولت ها باید از آن پیروی کنند. نسل کشی: یک واژه جدید و ذهنیتی نو از نابودی ملت ها. شیوه های نسل کشی در زمینه های گوناگون: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیستی، فیزیکی، مذهبی، و اخلاقی انجام می گرفته است. هدف دیوان کیفری بین المللی، ممانعت از نسل کشی در زمان جنگ و صلح و همچنین، کنترل بین المللی برای جلوگیری از تجاوز و اشغال. (یاقوتی و بهلولی، ۱۳۹۸: ۲۱-۱)

روش های پاسخ به پدیده های مجرمانه ی بین المللی، سازوکارهای قضایی بین المللی و سازوکارهای بین المللی غیر قضایی است. اما بدلیل گستردگی مصادیق چهار جرم اصلی نسل کشی، جرایم علیه صلح، جرایم جنگی، جنایت علیه بشریت و جرم تجاوز، معمولاً شناسایی و پاسخ به آن را توسط دیوان با چالش هایی مواجه می کند. در وش قضایی درحالی که مسئولیت اصلی جستجو و تحت پیگرد قرار دادن مرتکبین جرائم بین المللی با دولت ها است، تاریخ نشان داده است که سایر

سازوکارهای حقوقی نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند: محاکم بین‌المللی، همچون دادگاه‌های ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا، دیوان بین‌المللی کیفری و محاکم و دادگاه‌های مختلط، از جمله برای تیمور شرقی، سیرالئون و کامبوج. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۴۷)

روش‌های غیر قضایی می‌توانند عملکرد جبرانی، حقیقت‌یابی یا تلفیقی داشته باشند. استفاده از چنین روش‌هایی نشان‌دهنده خواست جوامع مختلف برای رسیدن به صلح و پشت‌سر گذاشتن میراث مخاصمه مسلحانه است. با انتخاب یک روش غیرقضایی برای رسیدگی به تخلفات، دولت‌ها تصمیم می‌گیرند که قساوت‌ها را شناخته و آنها را تحلیل کنند و بیشتر از آن که به مجازات مرتکبین بپردازند بر خسارت‌های وارد آمده به قربانیان تمرکز می‌کنند. هدف شناختن و درس‌گرفتن از گذشته برای پیشگیری از خشونت‌ها در آینده است. مثال‌های بسیاری از اقدامات انجام شده در راستای جبران خسارت‌ها و آسیب‌های وارد شده به قربانیان جرائم بین‌المللی وجود دارد: آلمان تصمیم گرفت تا به بازماندگان اردوگاه‌های آدم‌سوزی نازی و خانواده‌های آنان که در این اردوگاه‌ها کشته شدند غرامت مالی پرداخت کند. برای توضیح بیشتر لازم است که تشکیل سازمان ملل و قلب به آن، یعنی دادگاه کیفری بین‌المللی را از دوران قبل از جنگ جهانی اول و بعد از جنگ جهانی اول بررسی کنید تا بسترهای تولد این سازمان و دادگاه برایمان روشن و آشکار گردد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸: ۴۳)

۲. بسترهای تاریخی ظهور جرایم بین‌المللی

۲-۱- پیش از جنگ جهانی اول

تا پیش از جنگ جهانی اول به تعداد محدودی از جرایم بدون توجه به مکان ارتکاب یا تابعیت مرتکب و قربانی رسیدگی می‌شد. این محدود جرایم شامل دزدی دریایی، برده‌داری و رویه‌های مشابه، بیگاری گرفتن بدهکار از سوی طلبکار به طور نامعین، خرید و فروش زنان و دختران به عنوان عروس، نقل و انتقال کودکان دلیل بدهکاری والدین، سواستفاده جنسی از زنان، جرایم علیه لوله‌های زیر دریایی، جرایم پستی بین‌المللی، استفاده غیرقانونی از پست و توزیع نشریات مستهجن را شامل می‌شد. جرایم ذکر شده قبل از جنگ جهانی اول علی‌رغم فراملی بودن طبق مکانیزم‌های داخلی کشورها انجام می‌شد و جامعه بین‌المللی قدرت اجرای کافی و مکانیزم‌های قوی برای رسیدگی به این جرایم را نداشت.

۲-۲- پس از جنگ جهانی اول

پس از جنگ جهانی اول کمیسیون مربوط به تعیین مسئولیت آغازکنندگان جنگ و اعمال مجازات علیه آنان برای نقض قوانین و عرف جنگی، به وسیله کنفرانس صلح پاریس در سال ۱۹۱۹ تشکیل گردید. در این کنفرانس پیشنهاد گردید یک محکمه موردی برای ترکیب جنایات جنگی و نقض قوانین بشری تعیین گردد. در این کنفرانس تصمیم گرفته شد فقط قیصر به موجب مفاد معاهده ورسای ۱۹۱۹ در مقابل یک محکمه بین‌المللی قرار گیرد. قیصر به هلند فرار کرد و کشور هلند از استرداد آن خودداری کرد و وی را به عنوان پناهنده سیاسی پذیرفت. برای سایر متهمان جنگی مقرر شد پس از ارائه درخواست دول متفق از دولت آلمان در اثنای کنفرانس صلح پاریس و برای تسلیم ۸۹۵ متهم دولت آلمان از پذیرش این درخواست خودداری کرد در نتیجه و با مخالفت دولت آلمان ۱۲ نفر برای محاکمه نفرات انتخاب شدند که در محاکمه لایپزیک آلمان آنان را مورد محاکمه قرار دهند. نهایتاً این محکمه تشکیل و صرفاً به مسائلی چون شیوه رفتار با سرا و نه اصل موضوع، شروع مخاصمات پرداخته و رسیدگی شد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۱۳)

۲-۳- جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن

پس از پایان یافتن جنگ جهانی دوم و با توجه به اینکه جنگ در دو جبهه یکی در اروپا دیگری در خاور دور جریان داشت، دو محکمه مجزا برای محاکمه جنایتکاران جنگی تشکیل گردید یکی در نورنبرگ و دیگری در توکیو. فعالیت محکمه نورنبرگ بر اساس منشور محاکمه نظامی بین المللی برای محاکمه جنایتکاران جنگی صورت گرفت و این منشور به توافق و امضای چهار دولت فرانسه، انگلیس، آمریکا و شوروی رسید که بعدها ۱۹ کشور دیگر بدان پیوستند. این محکمه مجرمان اصلی را در جبهه اروپا رسیدگی می کند این محکمه ۱۲ نفر را به اعدام، ۷ حکم حبس و ۳ حکم برائت صادر کرد. صلاحیت محکمه نورنبرگ، بر اساس ماده ۶ منشور آن سه جرم می باشد:

۱- جرایم علیه صلح ۲- جرایم جنگی ۳- جنایت علیه بشریت

محکمه توکیو به یک محکمه نظامی و بین المللی برای خاور دور بود که پیوسته اعلامیه ژنرال مک آرتور و بر اساس منشور لندن تهیه شده بود راجع به مجرمان اصلی بود. برخلاف محکمه نورنبرگ که در آن چهار وکیل تعقیب کننده از سوی چهار کشور متفق مشترکاً صدور کیفرخواست را انجام می دادند. صدور کیفرخواست ها صرفاً از طریق وکیل منحصر به فرد به انتخاب ژنرال مک آرتور به نمایندگی از ۱۱ کشور امضا کننده استرالیا، کانادا، چین، فرانسه، انگلستان، هندوستان، هلند، فیلیپین، شوروی و آمریکا انجام گرفت. قضاوت نیز توسط مک آرتور از بین نامزدهای پیشنهادی از سوی ۱۱ دولت مذکور انتخاب می شدند. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۱۰-۲)

رسیدگی به جرایم زیر درسه بخش وظیفه دادگاه توکیو بود:

۱-بخش اول جرایم علیه صلح

۲-بخش دوم جرایم قتل عمد

۳-بخش سوم جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی معاهداتی

محکمه توکیو در ۳ می ۱۹۴۶ در توکیو آغاز به کار نمود و در ۴ نوامبر ۱۹۴۸ رأی خود را صادر کرد. ظرف این مدت شهادت ۴۱۹ شاهد استماع شد و ۷۷۹ شهادت نامه کتبی مورد رسیدگی قرار گرفت. متخلفان به شرح زیر محکوم شدند: هفت نفر اعدام، ۱۶ نفر حبس ابد، ۱ نفر ۲۰ سال حبس، ۱ نفر ۷ سال حبس و ۳ نفر هم تبرئه شدند. در دادگاه نورنبرگ و توکیو به دلیل اینکه محکمه توکیو زیر نظر ملاحظات سیاسی ژنرال مک آرتور بود کاملاً در مسیر عدالت جزایی قرار نداشت، اما هر دو محکمه مسئولیت کیفری شخصی را پذیرفتند و معافیت ها و دفاعیاتی مثل اطاعت از اوامر مافوق رد کردند. (همان)

۳. تحولات دهه آخر قرن بیستم

جنایات ارتكابی در یوگسلاوی و رواندا در دهه آخر قرن بیستم موجب تشکیل دو دیوان کیفری بین المللی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تعقیب جنایتکاران شد. این دو دیوان فعالیت خود را در شهر لاهه در هلند و شهر آروشا پایتخت تانزانیا آغاز کردند. اهمیت این دو دیوان این بود که این دو از سوی طرف های پیروز یک جنگ تشکیل نشده بودند بلکه چون از سوی شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد با هدف حفظ صلح و امنیت بین المللی تشکیل شده بودند به مفهوم دقیقی یک محکمه بین المللی محسوب می شود.

۳-۱- تشکیل دادگاه کیفری بین المللی در آستانه قرن بیست و یکم

در ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تصویب رساند. در همان سال به موجب قطعنامه‌ای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد موظف به تهیه پیش‌نویس اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی بود. در سال ۱۹۹۸ حدود ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک روم، اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی را امضا کردند. بدین ترتیب اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی در ۱۳ فصل و ۱۲۸ ماده به تصویب رسید و با الحاق بیش از ۶۰ کشور در سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردید. مقر این دادگاه مثل دادگاه بین المللی و دادگستری شهر لاهه پایتخت هلند می باشد. (ماده ۳ اساسنامه)

یکی از ویژگی‌های این دادگاه استقلال و دوام - غیر موقتی بودن آن نسبت به سایر دادگاه‌ها- است. از این رو چهار اصل مهم در دادگاه کیفری بین المللی به شرح زیر است:

اصل اول: صلاحیت این دادگاه تکمیلی است یعنی دادگاه بین المللی زمانی صالح به رسیدگی است که هیچ دادگاه صالح داخلی نتواند یا نخواهد مجرمان را تحت تعقیب کیفری قرار دهد. دادگاه بین المللی برای جلوگیری از چنگال عدالت جزایی اعمال صلاحیت می کند.

اصل دوم: در اساسنامه آمده است دادگاه کیفری بین المللی فقط مهمترین جرایم بین المللی را رسیدگی میکند که عبارتند از نسل‌کشی، جنایت ضد بشریت، جنایت جنگی و تجاوز اراضی.

اصل سوم: برای پذیرش حداکثری کشورها در عضویت، مفاد قرارداد از حقوق بین المللی عرفی عدول نکرده و بصورت سازشی یعنی سازمانها و نهادها عمل مینماید. بنابراین این سیستم بصورت سازشی و عرفی و یک واحد غیرقابل تجزیه است.

اصل چهارم: هر کشوری عضویت دادگاه کیفری بین المللی و اساسنامه منشور ملل متحد را پذیرفت اجازه تحفظ و حق شرط ندارد. یعنی باید در صورت الحاق، یا کل اساسنامه را بپذیرد و یا از عضویت خارج شود. در صورت تمایل به پذیرش، بر اساس ماده ۱۲۰ اساسنامه باید کل آن را بدون حق شرط بپذیرد. شاید بتوان گفت یکی از معایب و محدودیت‌های دادگاه کیفری بین المللی این است که اولاً یک دادگاه تکمیلی است و دوم اینکه تنها جرایمی در دادگاه کیفری بین المللی قابل رسیدگی هستند که در قلمرو دولت عضو یا از سوی تبعه‌ی دولت عضو اساسنامه، ارتکاب یافته باشد آنها هم به شرط آنکه شورای امنیت از حق خود برای متوقف کردن جریان رسیدگی استفاده ننماید. (ماده ۱۶ اساسنامه)

۳-۲- اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

کشورهای عضو این اساسنامه، با آگاهی از این که روابط مشترکی همه ملت‌ها را به یکدیگر پیوند می دهد و فرهنگ‌های ملتها همه، میراث مشترکی را تشکیل می دهند و نگران از این که این پیوند ظریف هر لحظه ممکن است از هم بگسلد، اندیشناک از این که طی این قرن میلیونها کودک، زن و مرد قربانی فجایع و ددمنشی‌های غیرقابل‌تصور شده اند که وجدان بشریت از آن به شدت یکه خورده است، با تصدیق این حقیقت که چنین جنایات هولناکی صلح، امنیت و آسایش جهان را تهدید می کند، با تاکید بر این که فجیع‌ترین جنایاتی که موجب اضطراب جامعه بین المللی می شود، نباید بدون مجازات بماند و این که لازم است تعقیب مؤثر مرتکبین آن جنایات با اتخاذ تدابیری در سطح ملی و نیز تقویت همکاری بین المللی تضمین گردد. مصمم بر این که به مصونیت مرتکبین این جنایات و فرار آنها از مجازات پایان داده و در نتیجه در پیشگیری از [وقوع] چنین جنایاتی مشارکت نمایند، با یادآوری این نکته که وظیفه هر یک از دولتها است که صلاحیت کیفری خود را بر کسانی که

مسئول ارتکاب جنایات بین المللی هستند، اعمال نمایند، با تأکید دوباره بر مقاصد و اصول منشور ملل متحد، به ویژه این که کلیه دولتها بایستی از تهدید به استفاده از زور بر ضد تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی یا هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مغایرت داشته باشد، خودداری نمایند، با تأکید در این ارتباط که در این اساسنامه هیچ نکته ای وجود ندارد که بتوان آن را اجازه مداخله یک دولت عضو در منازعه مسلحانه در امور داخلی دولت دیگر دانست.

در حالی که تصمیم گرفته اند، به خاطر رسیدن به این اهداف و مصلحت نسلهای کنونی و آینده، دیوان کیفری بین المللی مستقل دائمی مرتبط با نظام ملل متحد که بر فیجع ترین جنایات مورد نگرانی جامعه بین المللی صلاحیت دارد، تاسیس نمایند، با تأکید بر این که دیوان کیفری بین المللی که به موجب این اساسنامه تأسیس می شود، مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود، با تصمیم بر این که احترام دائم به اجرای عدالت بین المللی را تضمین نمایند، نسبت به موارد ذیل توافق نمودند که ما موارد ۶ و ۷ و ۸ و ۸ مکرر را ذکر مینماییم. قبلاً لازم است جرایم جنگی را تعریف کنیم: مطابق تعریف جنایات جنگی عبارتند از: نقض فاحش حقوق بین الملل بشر دوستانه نیز نیاز به تعریف دارد. حقوق بین الملل بشر دوستانه عبارت است از مجموعه مقرراتی اعم از کنوانسیون ها یا حقوق بین الملل عرفی که به بیان آداب و سلوک جنگ یا به تعبیر دقیق تر و امروزی آن مخاصمه مسلحانه می پردازد و به دنبال انسانی کردن جنگ و تعدیل خشونت ها و پیامد های ناگوار آن است آنچه که به صورت عمده و فاحش این مقررات عهد نامه ای یا عرفی را نقض کند جنایات جنگی است. (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷، ۴۵) با این اوصاف، جرایم بین المللی به دو دسته عمده جرایم بین المللی ذاتی و جرایم بین المللی قراردادی تقسیم می شوند.

۱-۲-۳- جرایم بین المللی

جرایم بین المللی به دو دسته عمده جرایم بین المللی ذاتی و جرایم بین المللی قراردادی تقسیم می شوند. منظور از جرایم بین المللی ذاتی جنایت نسل کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی است که به تعبیر اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، فیجع ترین جنایاتی است که موجب اضطراب جامعه بین المللی شده و وجدان بشریت به شدت از آن لکه دار شده است. از طرفی منظور از جرایم بین المللی قراردادی هم جرایمی هستند که علت بین المللی قلمداد شدن آن ها معاهده ای بین المللی است که چندین دولت با توافق یکدیگر آن را ایجاد کرده و بر اساس مفاد آن عهد نامه علاوه بر تعهد به جرم انگاری عمل خاص متعهد به محاکمه یا مسترد کردن مجرمان موضوع آن هم شده اند. مثل جرم قاچاق مواد مخدر مصوب ۱۹۸۸ دولت های عضو هم متعهد به جرم انگاری و هم متعهد به محاکمه یا مسترد کردن مجرمین موضوع آن شده اند.

نمونه های دیگر از جرایم بین المللی قراردادی مثل دزدی دریایی، آپارتاید*، گروگان گیری هستند.

آپارتاید: عبارت است از سیاست تبعیضی که نژادپرستان کشور جمهوری آفریقای جنوبی علیه اکثریت سیاهپوست بومی و بومیان آن کشور اعمال می کنند.

موضوعی که مهم است این است که هر دو دسته جرایم بین المللی اعم از ذاتی یا قراردادی از گذشته تا به اکنون موضوع صلاحیت دادگاه های داخلی کشور ها بوده اند اما در حال حاضر در خصوص جرایم بین المللی ذاتی متولی دیگری نیز برای رسیدگی به وجود آمده است که آن دیوان بین المللی کیفری است. البته مرجع اصلی رسیدگی کننده در خصوص این جرایم همچنان دادگاه های داخلی کشور ها هستند اما دیوان بین المللی کیفری نیز یک صلاحیت تکمیلی در این خصوص دارد.

در ذیل ماده ۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بیان شده است که دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری ملی است. (میوه یان، ۱۳۹۶: ۱-۲۴)

۲-۲-۳- جرایم بین‌المللی ذاتی

۱-۲-۲-۳- نسل‌کشی (ماده ۶)

نسل‌کشی منظور از نسل‌کشی در این اساسنامه، هریک از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد. قتل اعضای یک گروه ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیات زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود. اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه صورت گیرد، مانند انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر.

بعد از خاتمه یافتن جنگ جهانی دوم، در ۱۷ دسامبر ۱۹۴۲ میلادی و ۵ ژانویه ۱۹۴۳ میلادی نیروهای متفقین دو بیانیه صادر کردند که در هردو، تصمیمشان را مبنی بر محاکمه کردن افراد آلمانی که در خلال جنگ مرتکب جنایت جنگی و جنایات علیه بشریت شده بودند، اعلام کردند. به دنبال آن در ۱۱ فوریه ۱۹۴۳ میلادی در کنفرانس یالتا، تئودور روزولت، وینستون چرچیل و ژوزف استالین قطعنامه مشابهی را تصویب کردند. در ۸ اوت ۱۹۴۵ متفقین در لندن توافقنامه‌ای را امضا کردند که مفاد آن تأسیس دادگاه نورنبرگ بود. توافق کنندگان در ضمیمه توافقنامه مزبور منشور دادگاه نورنبرگ را اعلام کردند. این منشور از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا برای اولین بار در تاریخ حقوق بین‌الملل، جرایم ضد بشری را به رسمیت شناخت و مصادیق آن را برشمرد. (مؤمنی، ۱۳۹۳: ۶)

بند (ج) منشور یادشده به جرایم ضد بشری اختصاص داشت. بر طبق این بند جرایم ضد بشری عبارت بودند از:

۱- قتل عمد

۲- ریشه کن کردن

۳- به بردگی گرفتن

۴- اخراج

و سایر اعمال غیرانسانی که علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابد. اعم از اینکه قبل یا در اثنای جنگ رخ داده باشد یا اذیت و آزار بنا به دلایل سیاسی، نژادی، یا مذهبی در ارتکاب جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت محکمه قرار دارد، اعم از اینکه ارتکاب آنها نقص قوانین داخلی کشور محمل ارتکاب محسوب شود یا خیر؟ اصطلاحی که در منشور دادگاه نورنبرگ ضمیمه توافقنامه لندن به کار می‌رود، جرایم ضدانسانی است که شامل موارد پیش گفته بود، اصطلاح ژنوسید توسط دادستان‌ها (البته نه قضات) در دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ به کار گرفته شد. دادستان دادگاه نورنبرگ، جنایتکاران جنگی نازی را به چیزی تحت عنوان (ژنوسید) متهم کرد؛ اما این اصطلاح در مقررات اساسنامه دادگاه به کار گرفته نشد، لذا دادگاه آنها را به دلیل سبعیت‌های ارتکابی علیه یهودیان اروپا به (جنایت علیه بشریت) محکوم کرد. (ویلیام شبت، ۱۳۹۰: ۴۷)

درواقع نسل‌کشی در منشور محکمه نظامی نورنبرگ برای محکمه جنایتکاران جنگی دول محور، یک جرم علیه بشریت محسوب شده بود. مطابق ماده ۶C جرایم علیه بشریت عبارتند از:

«قتل عمد، نابود کردن، اخراج و سایر اعمال غیرانسانی که قبل یا هنگام جنگ علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابد یا اعمال اذیت و آزار بنا به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی در اجرا یا در رابطه با هر جرمی که رسیدگی به آن در صلاحیت محکمه قرار دارد.» (حسینی نژاد؛ ۱۳۸۳: ۱۲۳)

با گذشت بیش از ۵۵ سال از امضای کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل زدایی، هنوز بر سر موضوع ساختار عناصر این جرم اختلاف نظر وجود دارد. بی دلیل نیست که ماده ۹ اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری لازم دانسته است عناصر جرایم از جمله نسل زدایی با اکثریت دو سوم آرا اعضای مجمع دولت های متعاقد پذیرفته شود. موضوع این مقاله، مطالعه عناصر مذکور است با در نظر گرفتن متن کنوانسیون منع و مجازات نسل زدایی، صورت جلسات مذاکرات کمیسیون مقدماتی، دکتین حقوقی قبل و بعد از تصویب کنوانسیون و لحاظ متن پیش نویس نهایی عناصر جرم که در سپتامبر سال ۲۰۰۲ میلادی در جلسه اعضای مجمع دولت های متعاقد به تصویب رسیده است. در این بررسی، نکته مهم، درک درست اعمال مجرمانه، عنصر روانی و در نتیجه مسوولیت کیفری مرتکب است. جزئیات عنصر روانی مساله پیچیده ای است، به ویژه از حیث تمایز قصد نابودی گروه از انگیزه های ارتکاب نسل زدایی، که تلاش شده حل گردد. پس از آن سازمان ملل متحد در نخستین سال فعالیت خود، قطعنامه شماره ۹۶I را در دسامبر ۱۹۴۶ میلادی تصویب و به موجب آن صراحتاً تأیید کرد که «نسل کشی به موجب حقوق بین الملل جرم است و جهان متمدن آن را تقبیح می کند». پیرو مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۹ دسامبر ۱۹۴۸ به موجب قطعنامه شماره ۲۶۰-، متن (کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل کشی) را درست یک روز پیش از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تصویب قرار داد. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۵: ۱۳۱ تا ۱۳۳)

نسل کشی ناگوارترین شکل جنایت علیه بشریت است، قرن بیستم به کرات شاهد وقوع این جنایت یعنی نابودی دسته جمعی انسان ها بوده ایم. کشتار ارامنه در خلال جنگ جهانی اول در فاصله سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ به دست دولت ترکیه، قتل عام یهودیان توسط آلمان نازی، کشتار حدود دو میلیون نفر از کامبوجی ها در اواسط دهه ۱۹۷۰ توسط رژیم خمرهای سرخ و کشتار توتسی ها توسط هوتو ها در رواندا نمونه هایی از این جنایت غیر انسانی است. اولین بار در ماده ۲ کنوانسیون جلوگیری و مجازات نسل کشی ۱۹۴۸ به تعریف این جنایت پرداخته شد این ماده عیناً در ماده ۶ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری تکرار شد به موجب این ماده منظور از نسل کشی در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابودی تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی، یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب یابد:

۱- قتل اعضای یک گروه

۲- ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه

۳- قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نا مناسب که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود (د اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل یک گروه صورت گیرد.

۴- انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر (عبدالحسین زاده، ۱۳۹۵: ۳۳)

۲-۲-۳- جنایات ضد بشریت (ماده ۷)

جنایات ضد بشریت منظور از جنایات ضد بشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می گردد. قتل؛ ریشه کن کردن؛ به بردگی گرفتن؛ اخراج یا انتقال اجباری یک جمعیت؛ حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که

برخلاف قواعد اساسی حقوق بین الملل انجام می شود؛ شکنجه؛ تجاوز جنسی، برده گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آنها؛ تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا علل دیگر، در ارتباط با هریک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان، که در سراسر جهان به موجب حقوق بین الملل غیرمجاز شناخته شده است؛ ناپدید کردن اجباری اشخاص؛ جنایت آپارتاید؛ اعمال غیر انسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد. منظور از [تعبیرات به کار رفته در بند ۱ این ماده] حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد هر جمعیت غیر نظامی رفتاری است مشتمل بر ارتکاب مکرر اعمال مذکور در بند ۱ بر ضد هر جمعیت غیر نظامی که در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان برای انجام چنین حمله ای صورت گرفته باشد. ریشه کن کردن شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه ریزی می شود.

به بردگی گرفتن یعنی اعمال اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان و مشتمل است بر اعمال چنین اختیاری در جهت خرید و فروش انسان به ویژه زنان و کودکان. اخراج یا انتقال اجباری یعنی جا به جا کردن اجباری اشخاص مورد نظر از طریق بیرون راندن یا دیگر اعمال قهر آمیز از منطقه ای که قانوناً در آنجا حضور دارند، بدون مجوزی براساس حقوق بین الملل. شکنجه یعنی تحمیل عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روحی بر شخصی که در توقیف یا تحت کنترل متهم [به شکنجه] است؛ الا اینکه شکنجه شامل درد یا رنجی که صرفاً ناشی از مجازات قانونی که ذاتی و یا لازمه آن است، نمی شود. حاملگی اجباری یعنی حبس کردن غیر قانونی زنی که به زور حامله شده است، به قصد تأثیرگذاری بر ترکیب قومی یک جمعیت یا دیگر نقضهای فاحش حقوق بین الملل. این تعریف به هیچوجه نباید تفسیر شود که بر قانون ملی [داخلی کشورها] مربوط به حاملگی تأثیر بگذارد. تعقیب و آزار مداوم یعنی محروم کردن عمدی و شدید از حقوق اساسی برخلاف حقوق بین الملل به دلیل هویت آن گروه یا مجموعه؛ جنایت آپارتاید یعنی ارتکاب اعمال غیر انسانی از نوع اعمال مذکور در بند ۱، از طریق یک رژیم نهادینه شده و ایجاد فشار و سلطه منظم توسط یک گروه نژادی بر یک گروه یا گروههای نژادی دیگر و ارتکاب آن اعمال به قصد حفظ و نگهداری آن رژیم. ناپدید کردن اجباری اشخاص یعنی بازداشت یا حبس یا ربودن اشخاص توسط یک دولت یا سازمان سیاسی، یا با اجازه یا حمایت یا رضایت آنها و سپس امتناع از اعتراف به محرومیت این اشخاص از آزادی یا امتناع از دادن اطلاعات از سرنوشت یا محل وجود آنان، با قصد دور کردن آنان از حمایت قانون برای مدت طولانی. در این اساسنامه منظور از اصطلاح جنسیت مفهومی است که عرفاً به دو جنس مرد و زن اطلاق می شود. اصطلاح جنسیت به هیچ معنای دیگری غیر از معنای فوق دلالت نخواهد کرد. این اصطلاح اولین بار در سال ۱۹۱۵ در اعلامیه مشترک سه کشور انگلستان، روسیه و فرانسه که به مناسبت محکومیت قتل عام آرامنه توسط ترکیه صادر گشت به کار رفت پس از جنگ جهانی دوم این جرم به عنوان یکی از سه جرم مهم بین المللی موضوع صلاحیت دادگاههای نورنبرگ و توکیو قرار گرفت. تحولات بعدی حقوق بین الملل باعث استقلال جنایات علیه بشریت از پدیده جنگ گردید.

مبنای جرم انگاری جنایات علیه بشریت حمایت از حقوق بشر است حقوقی مانند حق حیات، حق آزادی، حق امنیت و... ماده ۷ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری در مقام تعریف جنایت علیه بشریت می گوید: منظور از جنایات علیه بشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می یابد:

- ۱- قتل
- ۲- ریشه کن کردن
- ۳- به بردگی گرفتن
- ۴- تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت
- ۵- حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که بر خلاف قواعد اساسی حقوق بین الملل انجام شود
- ۶- شکنجه
- ۷- تجاوز جنسی، برده گیری جنسی و...
- ۸- تعقیب و آزار هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیت یا علل دیگر در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان که در سراسر جهان به موجب حقوق بین الملل غیر مجاز شناخته شده است.
- ۹- ناپدید کردن اجباری اشخاص
- ۱۰- جنایت تبعیض نژادی
- ۱۱- اعمال غیر انسانی مشابه دیگری که بصورت عمدی و به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد. (احمدپور، ۱۳۸۶: ۶۷)

۳-۲-۲-۳- جنایات جنگی (ماده ۸)

دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد به ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب گسترده چنین جرائمی صورت گرفته باشد. منظور از جنایات جنگی در این اساسنامه موارد ذیل است: نقضهای فاحش کنوانسیون های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو، یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل بر ضد اشخاص یا دارائیهایی که تحت حمایت مقررات کنوانسیون مربوطه ژنو قرار گرفته اند: کشتار عمدی؛ شکنجه یا رفتار غیر انسانی، از جمله آزمایشهای زیست شناختی؛ فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی؛ تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورتهای نظامی آن را توجیه نمی کند و به صورت غیرقانونی و خودسرانه اجرا شده است؛ اجبار اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت [کنوانسیون] به خدمت در صفوف نیروهای دولت دشمن؛ محروم کردن عمدی اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت از حق محاکمه عادلانه و قانونی؛ تبعید یا انتقال غیرقانونی یا حبس غیرقانونی؛ گروگان گیری.

دیگر نقضهای فاحش قوانین و عرفهای مسلم حقوق بین الملل و حاکم بر منازعات مسلحانه بین المللی یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل: هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیر نظامی در کلیت آن یا برضد افراد غیرنظامی که مشارکت مستقیم در مخاصمات ندارند؛ هدایت عمدی حملات بر ضد اهداف غیر نظامی؛ هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان تاسیسات، مواد، واحدها یا وسایل نقلیه ای که در کمک رسانی بشردوستانه یا ماموریتهای حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می شوند، مادام که آنها از حمایتی برخوردارند که به غیر نظامیان یا اهداف غیرنظامی به موجب حقوق بین المللی منازعات مسلحانه داده شده است؛ انجام عمدی حمله ای با علم به این که چنین حمله ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیر نظامی یا آسیب گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست خواهد شد و آشکارا نسبت به مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه است؛ حمله یا بمباران شهرها، روستاها،

مناطق مسکونی یا ساختمانهایی که بی دفاع بوده و اهداف نظامی نیستند با هر وسیله ای که باشد؛ کشتن یا زخمی کردن رزمنده ای که سلاح خود را بر زمین گذاشته یا وسیله ای یا برای دفاع ندارد و از روی اختیار تسلیم شده است. تخریب یا ضبط اموال دشمن مگر آنکه ضرورت‌های جنگ چنین تخریب یا ضبط اموال را ایجاب نماید؛ اعلان این مطلب که حقوق و دعاوی اتباع طرف دشمن در هر دادگاهی منسوخ، معلق یا غیر قابل قبول است؛ اجبار اتباع طرف دشمن به شرکت در عملیات جنگی بر ضد کشور خود، هر چند آنها پیش از شروع جنگ در خدمت دولت متخاصم بوده اند. غارت شهر یا محلی، گرچه غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد؛ به کار بردن سم یا سلاحهای سمی؛ استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا سایر گازها و تمام سیالات، مواد یا ابزارهای مشابه؛ استفاده از گلوله هایی که به آسانی در بدن انسان منبسط یا پخش می شود، مانند گلوله هایی که دارای پوسته سختی هستند که تمام هسته را نمی پوشاند یا آن که شکافهایی روی پوسته ایجاد شده است؛ به کار بردن سلاحها، پرتابه ها و مواد و روشهای جنگی که دارای خاصیت آسیب رسانی بیش از حد یا موجب رنج غیرلازم می شوند یا آنکه ذاتاً بدون تمیز و تفکیک [اهداف] و معایر حقوق بین الملل منازعات مسلحانه هستند؛ مشروط بر آنکه این سلاحها موضوع منع جامع بوده و از طریق اصلاحیه ای مطابق مقررات مربوط در مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ در ضمیمه الحاقی به این اساسنامه درج شود؛ تجاوز به کرامت شخص، به ویژه رفتار موهن و تحقیر آمیز؛ ارتکاب تجاوز [جنسی]، برده گیری جنسی، اجبار به فحشای جنسی، حاملگی اجباری آنچنانکه در بند ۲ (و) ماده ۷ تعریف شده است، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر از اشکال خشونت جنسی که موجب نقض فاحش کنوانسیونهای ژنو می شود؛ بهره برداری از حضور اشخاص غیر نظامی یا دیگر اشخاص برخوردار از حمایت به منظور مصون نگاه داشتن نقاط، مناطق یا نیروهای نظامی معین. هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمانها، مواد، واحدها و وسایل نقلیه پزشکی و افرادی که نشانهای مشخصه کنوانسیونهای ژنو را مطابق حقوق بین الملل به کار می برند؛ تحمیل گرسنگی به غیر نظامیان به عنوان روش جنگی، با محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است، از جمله جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمکهای امدادی پیش بینی شده در کنوانسیونهای ژنو؛ بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح ملی یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی؛ در حالت وقوع نزاع مسلحانه غیربین المللی، نقض فاحش ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو یعنی هریک از اعمال ارتكابی زیر بر ضد اشخاصی که هیچگونه شرکت فعالی در کارهای جنگی ندارند، از جمله افراد نیروهای مسلح که سلاحهایشان را زمین گذاشته اند و کسانی که به سبب بیماری، جراحت، حبس یا هر علت دیگری از شرکت در جنگ ناتوان هستند؛ خشونت بر ضد جسم و جان به ویژه قتل از هر نوع، قطع عضو، رفتار بیرحمانه و شکنجه؛ تجاوز به کرامت شخص به ویژه رفتار موهن و تحقیرکننده؛ گروگانگیری؛ صادر کردن احکام و اجرای مجازاتهای اعدام بدون وجود حکم قبلی صادر شده از دادگاهی که به طور قانونی تشکیل شده باشد و تمام تضمینهای قضائی را که ضرورت آن به طور عام شناخته و پذیرفته شده است، تامین نماید؛ بند ۲ (ج) بر منازعات مسلحانه غیر بین المللی منطبق است و بنابراین شامل حالت‌های آشوبها و تنشهای داخلی همچون شورشها و اعمال خشونت آمیز منفرد یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر نمی شود. دیگر نقضهای فاحش قوانین و عرفهای قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیر بین المللی در چارچوب تعیین شده در حقوق بین الملل، یعنی هریک از اعمال زیر: هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیرنظامی در کلیت آن یا بر ضد افراد غیر نظامی که در اعمال جنگی شرکت مستقیم ندارند؛ هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمانها، مواد، واحدها و وسایل نقلیه پزشکی، و افرادی که از نشانهای مشخصه مذکور در کنوانسیونهای ژنو مطابق حقوق بین الملل استفاده می کنند؛ هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان، تأسیسات، مواد، واحدها و خودروهایی که در کمک رسانی بشر

دوستانه یا ماموریت حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می شوند، مادام که آنها شایسته برخورداری از حمایتی هستند که به موجب حقوق بین الملل منازعات مسلحانه به غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی داده شده است؛ هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمانهایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و [نیز بر ضد] آثار تاریخی، بیمارستانها و مکانهای تجمع بیماران و زخمی ها مشروط بر آنکه آن مکانها اهداف نظامی نباشند؛ غارت شهر یا محلی، گرچه غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد؛ ارتکاب تجاوز [جنسی]، برده گیری جنسی، اجبار به فحشای جنسی، حاملگی اجباری آنچنانکه در بند ۲ (و) ماده ۷ تعریف شده است، عقیم کردن اجباری یا هر شکل دیگر از اشکال خشونت جنسی نیز که موجب نقص فاحش کنوانسیونهای ژنو می شود؛ بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح یا گروههای مسلح یا به کارگرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی؛ صدور دستور جابه جایی اهالی غیرنظامی به دلایل مربوط به نزاع، مگر آن که امنیت غیر نظامیان مورد نظر یا دلایل الزام آور نظامی چنین اقتضا کند؛ خائنانه کشتن یا زخمی کردن رزمنده دشمن؛ اعلان این مطلب که به احدی رحم نخواهد شد [احدی در قید حیات نخواهد ماند] در معرض نقص بدنی یا هر نوع آزمایش پزشکی یا علمی قراردادن اشخاصی که تحت سلطه طرف دیگر هستند به طوری که نه درمان پزشکی، دندانپزشکی یا بیمارستانی شخص مورد نظر آن را توجیه می کند و نه در جهت منفعت وی صورت می گیرد و موجب مرگ یا خطر جدی برای آن شخص یا اشخاص می شود؛ تخریب یا ضبط اموال دشمن مگر آن که ضرورتهای جنگ چنین تخریب یا ضبط اموال را ایجاب نماید؛ بند ۲ (ه) بر منازعات مسلحانه غیر بین المللی قابل اجراست و بنابراین شامل حالتیهای آشوبها و تنشهای داخلی همچون شورشها و اعمال خشونت آمیز منفرد یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر نمی شود. [مقررات] این بند در مورد منازعات مسلحانه ای قابل اجرا است که در قلمرو دولتی اتفاق می افتد که منازعه مسلحانه طولانی مدتی میان نیروهای حکومت و گروههای مسلح سازمان یافته یا میان چنین گروههایی وجود دارد. هیچیک از مطالب بندهای ۲ (ج) و (د) تاثیری بر مسئولیت حکومت برای حفظ یا برقراری مجدد قانون و نظم در کشور یا دفاع از وحدت و تمامیت قلمرو دولت با تمام وسایل قانونی نخواهد گذاشت. (پوربافرانی، ۱۳۹۸: ۲۴۷-۲۴۱)

انواع جنایات جنگی در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری وفق ماده ۸

با توجه به ماده ۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری جنایات جنگی به دو دسته کلی جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه بین المللی و جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی تقسیم می شوند.

جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه بین المللی خود به دو دسته تقسیم می شوند

الف) نقض فاحش کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو

ب) نقض فاحش قوانین و عرف های مسلم حقوق بین المللی حاکم بر منازعات مسلحانه بین المللی

جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی هم به دو دسته تقسیم می شوند

الف) نقض فاحش ماده ۳ مشترک هر چهار کنوانسیون ژنو ناظر به مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی

ب) نقض فاحش قوانین و عرف های قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی که به هر ۴ قسم در ذیل این بند می پردازیم. (احمدپور، ۱۳۸۲: ۱۱۸)

نقض های فاحش کنوانسیون های ژنو

این موارد عبارت اند از کشتار عمدی، شکنجه یا رفتار غیر انسانی از جمله آزمایش های زیست شناختی، فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی، تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت های نظامی آن را توجیه نمی کند و به صورت غیر قانونی و خودسرانه اجرا شده است، اجبار اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت کنوانسیون به خدمت در صفوف نیرو های دولت دشمن، محروم کردن عمدی اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت از حق محاکمه عادلانه و قانونی، تبعید یا انتقال غیر قانونی یا حبس غیر قانونی، گروگان گیری (پوربافرانی، ۱۳۹۸: ۲۴۱)

نقض های فاحش قوانین و عرف های مسلم حقوق بین الملل حاکم بر منازعات مسلحانه بین المللی

هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیر نظامی در کلیت آن یا بر ضد افراد غیر نظامی که مشارکت مستقیم در مخاصمات ندارند، هدایت عمدی حملات بر ضد اهداف غیر نظامی، هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان تاسیسات، مواد، واحد ها یا وسایل نقلیه ای که در کمک رسانی بشر دوستانه یا ماموریت های حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می شوند مادام که آن ها از حمایتی برخوردارند که به غیر نظامیان یا اهداف غیر نظامی به موجب حقوق بین المللی منازعات مسلحانه داده شده است، انجام عمدی حمله ای با علم به اینکه چنین حمله ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیر نظامیان یا خسارت به اهداف غیر نظامی یا آسیب گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست خواهد شد، حمله یا بمباران شهر ها، روستاها، مناطق مسکونی یا ساختمان هایی که بی دفاع بوده و اهداف نظامی نیستند یا به هر وسیله ای که باشد، کشتن یا زخمی کردن رزمنده ای که سلاح خود را بر زمین گذاشته یا وسیله ای برای دفاع ندارد و از روی اختیار تسلیم شده است، سو استفاده از پرچم متارکه جنگ یا پرچم، نشان ها و لباس های متحد الشکل دشمن یا سازمان ملل یا علائم مشخصه کنوانسیون های ژنو به طوری که منجر به مرگ یا آسیب شدید به اشخاص شود، اقدام دولت اشغالگر به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای انتقال بخش هایی از جمعیت غیر نظامی اش به سرزمینی که اشغال می کند یا تبعید یا انتقال تمام یا بخش هایی از جمعیت سرزمین اشغالی در داخل یا به خارج از سرزمین، به کار بردن سم یا سلاح های سمی، ارتکاب تجاوز جنسی، برده گیری جنسی، اجبار به فحشای جنسی، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا به هر شکل دیگر از اشکال خشونت جنسی که موجب نقض فاحش کنوانسیون های ژنو می شود. به طور کلی مبنای این جنایات صرفاً عرفی و تابع عرف بین الملل است اگر چه کنوانسیون های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه برخی از این جنایات را مدون کرده است.

نقض های فاحش ماده ۳ مشترک کنوانسیون های ژنو

خشونت بر ضد جسم و جان و به ویژه قتل از هر نوع، تجاوز به کرامت شخص به ویژه رفتار موهن و تحقیر کننده، گروگان گیری، صادر کردن احکام و اجرای مجازات های اعدام بدون وجود حکم قبلی صادر شده از دادگاهی که به طور قانونی تشکیل شده باشد و تمام تضمین های قضایی را که ضرورت آن به طور عام شناخته و پذیرفته شده است تامین نماید

نقض های فاحش قوانین و عرف های قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیر بین المللی هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیر نظامی در کلیت آن یا بر ضد افراد غیر نظامی که در اعمال جنگی شرکت مستقیم ندارند، هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان، تاسیسات، مواد، واحد ها و خودروهایی که در کمک رسانی بشر دوستانه یا ماموریت حفظ صلح به موجب منشور ملل

متحد به کار گرفته می شوند، بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح یا گروه های مسلح یا به کار گرفتن آن ها برای مشارکت فعال در کارهای جنگی. (پوربافرانی، ۱۳۹۸: ۲۳۰)

۴-۲-۳- تجاوز (ماده ۸-مکرر)

تعریف جرم تجاوز: ماده ۸ مکرر اساسنامه که به تعریف جرم تجاوز می پردازد متشکل از دو پاراگراف است. بند اول جرم تجاوز را چنین تعریف می کند: "برنامه ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای اقدام تجاوزکارانه توسط صاحب منصبی که به نحو موثری اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت می کند، که با توجه به ماهیت، شدت و گستره آن، موجب نقض آشکار منشور ملل متحد می شود." بند دوم نیز مصادیق جرم تجاوز را بر می شمارد: تهاجم یا حمله به سرزمین دولت دیگر بوسیله نیروهای مسلح یک دولت، یا هر نوع اشغال نظامی، هر چند موقت که از چنین تهاجم یا حمله ای ناشی شود، یا هر نوع ضمیمه تمام یا بخشی از سرزمین دولت دیگر با استفاده از نیروی مسلح؛ بمباران سرزمین دولت دیگر یا به کاربردن سلاح علیه سرزمین دولت دیگر؛ محاصره بنادر یک دولت. استفاده از نیروهای مسلح مقیم در سرزمین دولت دیگر بر خلاف شرایط مقرر در توافقنامه منعقد با دولت پذیرنده یا تمدید دوره حضور در سرزمین دولت فرستنده بر خلاف شرایط موافقتنامه؛ اجازه استفاده از سرزمین برای ارتکاب اقدام تجاوزکارانه علیه دولت ثالث؛ ارسال گروه ها، نیروهای نامنظم و مزدوران برای انجام عملیات نیروهای نظامی علیه دولت دیگر. (برنوسیما، ۱۳۷۸: ۳۳)

طبق قطعنامه شماره ۳۳۱۴ تعریف تجاوز و بر اساس اصول و قواعد پذیرفته شده حقوق بین الملل، هر گونه تصرف و اعمال حاکمیت بر منابع سطح الأرضی و تحت الأرضی کشوری که بر اثر تجاوز نظامی به اشغال دولت اشغالگر در آمده است، قانونی نبوده و نامشروع محسوب می شود.

طبق ماده ۳ قطعنامه، هر یک از اقدامات زیر بدون توجه به اعلام جنگ، تجاوز محسوب می شود. توضیح اینکه: اعلام جنگ، وصف غیر قانونی بودن را زایل نمی کند، چون جنگ به خودی خود یک عمل غیرقانونی است:

اول- تهاجم یا حمله نیروهای مسلح یک دولت به سرزمین دولت دیگر، یا هرگونه اشغال نظامی، هرچند موقت، ناشی از چنان تهاجم یا حمله ای یا هرگونه ضمیمه سازی سرزمین یک دولت یا قسمتی از آن به زور. پر واضح است که ضمیمه سازی یا اشغال سرزمینی که ناشی از دفاع مشروع یا اقدامات دفاع جمعی باشد خارج از شمول این بند است.

دوم- بمباران سرزمین یک دولت توسط نیروی مسلح دولت دیگر یا کاربرد هر نوع سلاح توسط یک دولت علیه سرزمین دولت دیگر.

سوم- محاصره بنادر یا سواحل یک دولت توسط نیروهای مسلح دولت دیگر.

توضیح اینکه: محاصره نیز عملیات نظامی محسوب شده و با تحریم متفاوت است. کیفیت این محاصره باید به گونه ای باشد که یک کشور در مضیقه قرار گرفته و دچار تبعات ناشی از تهاجم گردد. حتی محاصره یک بندر هم اگر آثار و تبعات شدیدی داشته باشد، مشمول این تعریف خواهد شد.

چهارم- حمله نیروهای مسلح یک دولت به نیروهای زمینی، دریایی و هوایی دولت دیگر.

پنجم- استفاده یک دولت از نیروهای مسلح، مغایر با شرایط مورد توافق با دولت دیگر که در سرزمین آن مستقر شده اند یا ادامه حضور آن نیروها در آن سرزمین پس از پایان مدت توافق.

ششم- اجازه یک دولت برای استفاده از نیروهای نظامی یا سرزمینش که در اختیار دولت دیگر قرار داده، به منظور انجام اقدامی تجاوزکارانه علیه دولت ثالث. توضیح اینکه: معاونت در جنگ تجاوزکارانه هم می‌تواند تجاوز محسوب شود، بی آنکه مستقیماً در منافع جنگ مشارکت داشته باشد.

هفتم- اعزام دسته‌ها یا گروه‌های منظم و مسلح، توسط دولتی، یا از جانب آن دولت به منظور انجام عملیات مسلحانه علیه دولتی دیگر، با چنان شدتی که در زمره اقدامات فهرست شده بالا قرار گیرد یا درگیر شدن قابل ملاحظه دولت مزبور در آن عملیات. بر اساس ۴ قطعنامه، اقدامات بر شمرده بالا، شامل همه موارد نیستند و شورای امنیت می‌تواند اقدامات دیگری را احراز کند که طبق مفاد منشور سازمان ملل متحد تجاوز محسوب می‌شوند. (شفیعی، ۱۳۷۵: ۶۷)

مطابق ماده ۳۹ منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا تجاوز را احراز کرده و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود. بر این اساس، نخستین کار شورای امنیت، احراز وجود یکی از سه وضعیت تهدید صلح، نقض صلح و یا تجاوز است و سپس شورا آن را توصیف می‌کند و پس از آن توصیه کرده و یا در صورت حادّ و بحرانی بودن وضعیت، طبق مواد ۴۱ و ۴۲ اقدام عملی می‌نماید. البته شورای امنیت گاهی از الفاظ و یا اسامی دیگری، غیر از آنچه در ماده ۳۹ آمده، بنا به دلایل سیاسی، استفاده نموده است. شورای امنیت متعاقب عمل توصیف شده، اقدام به توصیه و یا اخذ تصمیم می‌کند. به موجب ماده ۴۰ منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت می‌تواند قبل از عمل کردن بر طبق ماده ۳۹ به منظور جلوگیری از وخامت اوضاع، درباره اقداماتی که باید معمول گردد تصمیم بگیرد و از طرف‌های ذی نفع بخواهد اقدامات موقتی را که شورای امنیت ضروری یا مطلوب تشخیص می‌دهد، انجام دهد. این اقدامات موقت به حقوق یا ادعاها و یا موقعیت طرف‌های ذی نفع لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. شورای امنیت تخلف در اجرای اقدامات موقت را آنچنان که باید و شاید در نظر خواهد گرفت. از نظر اقداماتی که ممکن است صورت گیرد، ماده ۴۰ قبل از ماده ۳۹ می‌باشد؛ یعنی شورا قبل از توصیف، از طرفین می‌خواهد که اقدامات موقت انجام دهند و این ماده برای مرحله به مرحله انجام دادن احراز و توصیف و اتخاذ تصمیمات لازم است. اقدامات موقت می‌تواند شامل موارد ذیل باشد؛ مانند آتش بس، تعلیق، دعوت به صلح موقت، غیر نظامی کردن یک منطقه، منع عزیمت کشتی‌ها به کشورهای متخاصم، آزاد کردن گروگان‌ها، عدم وضع قانون در یک منطقه به منظور اقدامات مختلف مثل یهودی کردن یک منطقه، آزادی اسرا و...

مطابق ماده ۴۱ منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا به چه اقداماتی مبادرت کند که متضمن به کارگیری نیروی مسلح نباشد و می‌تواند از اعضای سازمان ملل متحد بخواهد که به این اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف کردن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه آهن و دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد. (ابراهیمی، ۱۳۸۲، ۴۹-۷۸)

لازم الاجرا شدن اصلاحیه‌ها: برای لازم الاجرا شدن اصلاحیه‌ها تصویب سی دولت ضروری است. دولت‌ها ممکن است با صدور اعلامیه‌ای صلاحیت دیوان را در مورد جرم تجاوز نپذیرند، و اگر دولتی چنین اعلامیه را صادر نکند ملتزم به اصلاحیه‌ها خواهد بود. اصلاحیه‌ها پس از گذشت یک سال از پذیرش یا تصویب برای دولت مربوطه لازم الاجرا خواهد بود.

اصلاحیه ماده ۸: پیشنهاد دولت بلژیک نیز در قطعنامه دوم با وفاق عام تصویب شد. بر اساس این اصلاحیه سه بند دیگر به بندهای ماده ۸ اساسنامه (راجع به جرایم جنگی) گنجانده شد که به کارگیری و استفاده از سلاح‌ها، مواد و گازهای خفه

کننده و سعی را در مخاصمات غیر بین المللی همانند مخاصمات بین المللی ممنوع می کند و دیوان را نسبت به رسیدگی به این دسته از جرائم ارتكابی در مخاصمات داخلی صالح می داند.

۳-۲-۵- بررسی وجوه مشترک دادگاه‌های موقتی و دادگاه دایم بی الملل کیفری

در اینجا نگاهی می اندازیم به دو محکمه خاص که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در واکنش به مخاصماتی خاص ایجاد شد: دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، از این صلاحیت برخوردار است که به جرائمی که از ۱۹۹۱ در یوگسلاوی سابق ارتکاب یافته‌اند رسیدگی کند، در حالی که دادگاه بین المللی کیفری برای رواندا می تواند به جرائم واقع شده در رواندا در ۱۹۹۴ پردازد.

ویژگی های ذیل در بین آنها مشترک است:

آنها با جرائم مشابهی سرو کار دارند: جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل کشی؛ آنها اشخاص را مورد پیگرد قرار می دهند و نه دولت ها یا سازمان های سیاسی؛ آنها برای موقعیت ویژه ای ایجاد شدند؛

این دو دادگاه کمک شایانی به توسعه حقوق بین المللی کیفری کرده اند به عنوان مثال آنها از طریق پرونده های حقوقی ماهیت و محدوده جرائم بین المللی را تصریح کردند؛ الهام بخش تأسیس دادگاه ها و محاکم دیگر برای محاکمه جرائم بین المللی شدند؛

توجه به اجرای حقوق بین المللی بشردوستانه را تقویت کردند - یک مثال مهم محکومیت سربازان برای تجاوز جنسی در زمان مخاصمه مسلحانه است. تجاوز جنسی برای مدت ها از خصوصیات جنگ بود. دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و دادگاه بین المللی کیفری برای رواندا با محکوم نمودن اشخاص متعددی به جرم تجاوز جنسی به عنوان یک جنایت جنگی، و یک جنایت علیه بشریت، و حتی اقدام به نسل کشی پیام متفاوتی می فرستند. سایر نهادهای قضایی که به جرائم بین المللی رسیدگی می کنند دادگاه ها و محاکم مختلط هستند. این دادگاه ها توسط دولتی که جرائم در کشور آن اتفاق افتاده، با حمایت یا نفوذ سازمان ملل متحد برپا می شوند. حضور سازمان ملل متحد اغلب از روی نشان (آرم) های این دادگاه ها مشخص است. چنین دادگاه‌هایی ابعاد بین المللی و ملی را (قضات، نظام حقوقی، کارشناسان، و غیره) ترکیب می کنند و قواعد حقوق بین المللی کیفری را در خصوص ضمانت های قضایی، عناصر جرائم بین المللی و غیره بکار می برند. به علاوه، تمامی این دادگاه ها و محاکم برای رسیدگی به یک موقعیت خاص تأسیس شدند. اغلب آنها با جرائمی سر و کار دارند که در بازه زمانی معینی روی داده است. تیمور شرقی، سیرالئون و کامبوج نمونه هایی از آنها می باشند (صادقی، همان: ۳۲-۴۳).

دادگاه ها و محاکم مختلط مزیت های متعددی ارائه می کنند. آنها اغلب متشکل از قضات بین المللی و قضات و دادستان های محلی است که درباره شرایطی که جرائم تحت آنها ارتکاب یافته است اشراف کامل دارند و نظام حقوقی کشور مربوطه را می شناسند و به زبان های آن کشور صحبت می کنند. بنابراین، در اجرای عدالت حقایق محلی با دقت بیشتری در مقایسه با یک محکمه بین المللی، به ویژه محکمه ای که خارج از آن کشور برپا گردد، مدنظر قرار خواهند گرفت. لذا، یک دادگاه مختلط نسبت به یک محکمه بین المللی که دوردست ها در کشوری دیگر انجام شود راحت تر توسط مردم محلی پذیرفته خواهد شد. دیوان بین المللی کیفری یا ICC با محاکم خاص یا مختلطی که محصول یک قطعنامه سازمان ملل متحد یا توافقی میان دولت ها و سازمان ملل متحد هستند تفاوت دارد. در عوض، دیوان کیفری بین المللی توسط یک معاهده چندجانبه که میان

دولت‌ها در ۱۹۹۸ در رُم به امضا رسید ایجاد شد (به همین دلیل است که از این معاهده با عنوان اساسنامه رُم هم یاد می‌شود. دیوان بین‌المللی کیفری برای رسیدگی به یک وضعیت خاص در یک زمان معین ایجاد نشده است و بنابراین قرار نیست در کوتاه مدت یا میان مدت بسته شود. در عوض بناست تا تا دوام یابد: این دیوان اولین دیوان دائمی بین‌المللی برای تحت پیگرد قرار دادن اشخاصی است که مسئول ارتکاب شدیدترین جنایات بین‌المللی هستند. این اختیار را دارد که اشخاص متهم به ارتکاب جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی که پس از یکم ژوئیه ۲۰۰۲ (تاریخ به اجرا درآمدن اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) رخ داده‌اند را محاکمه کند. این دیوان همچنین اختیار خواهد داشت تا به محض آن که شرایط اعمال صلاحیت دادگاه مهیا شود اشخاص متهم به ارتکاب جنایت تجاوز را نیز محاکمه کند. (صادقی، همان: ۳۲-۴۳)

۳-۲-۵- تفاوت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تمامی تلاش‌ها در جهت ترویج احترام به حقوق بین‌المللی بشردوستانه و تقویت مبارزه علیه معافیت از مجازات را حمایت می‌کند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ یک دادگاه نیست. کار دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی کیفری و کار کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، روشهایی تکمیل‌کننده و جایگزین برای پیشگیری از نقض‌های حقوق بین‌المللی بشردوستانه هستند. هرچند که اهداف نهایی هردو یکی است، آنها از ابزار متفاوتی برای رسیدن به آنها بهره می‌برند. برای مثال، دیوان بین‌المللی کیفری، با تحت پیگرد قرار دادن و تحریم کردن، و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با ترویج احترام به حقوق بین‌المللی بشردوستانه از طریق گفتگوی محرمانه و تشویق عمل می‌کنند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ روشی مشخص و بلندمدت از ورود پیدا نکردن به محاکمه‌های قضایی و علنی نساختن آنچه در حین کار خود در می‌یابد دارد. این روش ریشه در تجربه وسیع میدانی و احترام شدید سازمان نسبت به رازداری است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در یادآوری به شرکت‌کنندگان در مخاصمات (چه دولت‌های و چه گروه‌های مسلح غیردولتی) در خصوص وظایفشان طبق حقوق بین‌المللی بشردوستانه درنگ نمی‌نماید. هرچند، به عنوان یک سازمان بی‌طرف و مستقل، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ قویاً باور دارد که تنها از طریق تضمین گفتگوی محرمانه و مداوم با تمامی طرفین مخاصمه می‌تواند این مهم را به انجام رساند. (صادقی، همان: ۳۲-۴۳)

۶-۲-۳- جرایم بین‌المللی قراردادی

جرایم بین‌المللی قراردادی بسیار متنوع هستند و بسته به نوع معاهداتی که بین دولت‌های مختلف منعقد می‌گردد تعیین می‌گردند و جرم‌انگاری می‌شوند اما جرایم بین‌المللی ذاتی در واقع جرایمی هستند که در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بیان شده‌اند که منحصر به ۳ مورد جنایات جنگی، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت هستند که در این مقاله ما سعی میکنیم این ۳ مورد را بررسی نماییم.

جرایم بین‌المللی قراردادی از قبیل: دزدی دریایی، آپارتاید

آپارتاید: عبارت است از سیاست تبعیضی که نژادپرستان کشور جمهوری آفریقای جنوبی علیه اکثریت سیاهپوست بومی و بومیان آن کشور اعمال می‌کنند. موضوعی که مهم است این است که هر دو دسته جرایم بین‌المللی اعم از ذاتی یا قراردادی از گذشته تا به اکنون موضوع صلاحیت دادگاه‌های داخلی کشورها بوده‌اند اما در حال حاضر در خصوص جرایم بین‌المللی ذاتی

متولی دیگری نیز برای رسیدگی به وجود آمده است که آن دیوان بین المللی کیفری است. البته مرجع اصلی رسیدگی کننده در خصوص این جرایم همچنان دادگاه‌های داخلی کشورها هستند اما دیوان بین المللی کیفری نیز یک صلاحیت تکمیلی در این خصوص دارد. در ذیل ماده ۱ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری بیان شده است که دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری ملی است. (پوربافرانی، همان، ۵۴)

۷-۲-۲-۳- جرایم بین المللی

مطابق تعریف جنایات جنگی عبارتند از: نقض فاحش حقوق بین الملل بشر دوستانه ناظر بر مخاصمات مسلحانه. برای روشن شدن موضوع حقوق بین الملل بشر دوستانه نیز نیاز به تعریف دارد. موضوعی که مهم است این است که هر دو دسته جرایم بین المللی اعم از ذاتی یا قراردادی از گذشته تا به اکنون موضوع صلاحیت دادگاه‌های داخلی کشورها بوده اند اما در حال حاضر در خصوص جرایم بین المللی ذاتی متولی دیگری نیز برای رسیدگی به وجود آمده است که آن دیوان بین المللی کیفری است. البته مرجع اصلی رسیدگی کننده در خصوص این جرایم همچنان دادگاه‌های داخلی کشورها هستند اما دیوان بین المللی کیفری نیز یک صلاحیت تکمیلی در این خصوص دارد.

در ذیل ماده ۱ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری بیان شده است که دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری ملی است. حقوق بین الملل بشر دوستانه عبارت است از مجموعه مقرراتی اعم از کنوانسیون‌ها یا حقوق بین الملل عرفی که به بیان آداب و سلوک جنگ یا به تعبیر دقیق تر و امروزی آن مخاصمه مسلحانه می پردازد و به دنبال انسانی کردن جنگ و تعدیل خشونت‌ها و پیامدهای ناگوار آن است آنچه که به صورت عمده و فاحش این مقررات عهد نامه ای یا عرفی را نقض کند جنایات جنگی است. (پوربافرانی، همان، ۵۴)

۸-۲-۲-۳- انواع دادگاه‌های رسیدگی به جرایم بین المللی

قطعنامه ۱۶۷۴ شورای امنیت سازمان ملل، که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۸ آوریل ۲۰۰۶ به تصویب رسید، «در سند نتایج اجلاس سران جهانی ۲۰۰۵، مجدداً در بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ روی مسئولیت حمایت از جمعیت در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایاتی از این قبیل که علیه بشریت هستند، تأکید می‌کند».

پیگرد قانونی بین المللی در مورد نسل‌کشی توسط دادگاه‌های موقت

همه امضا کنندگان CPPCG ملزم به جلوگیری و مجازات جنایات نسل‌کشی چه در صلح و چه در زمان جنگ می‌باشند. البته برخی موانع اجرای این کار را مشکل می‌کند. به ویژه، برخی از امضا کنندگان - به عبارت دیگر کشورهای بحرین، بنگلادش، هند، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، ایالات متحده، ویتنام، یمن و یوگسلاوی سابق - با این شرط که هیچ ادعایی برای نسل‌کشی نمی‌تواند بدون رضایت آنها علیه آنها به دیوان بین المللی دادگستری مطرح شود، این سند را امضا نموده‌اند. (باقری، همان: ۸۸)

دادگاه نورنبرگ (۱۹۴۵-۱۹۴۶)

رهبران نازی، اندکی پس از جنگ جهانی دوم به دلیل شرکت در هولوکاست و دیگر قتل‌های گسترده تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. به علت اینکه تا قبل از سال ۱۹۴۸ به طور رسمی تعریفی توسط کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایات نسل‌کشی (CPPCG) از جرم «نسل‌کشی» و جنایاتی علیه بشریت ارائه نشده بود، مجرمان تحت پیگرد قانونی قرار نمی‌گرفتند.

دادگاه جنایی بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (۱۹۹۳ - ۲۰۱۷)

اصطلاح نسل‌کشی بوسنیایی به دو معنی بکار می‌رود. یکی به معنای قتل‌های مرتکب شده توسط نیروهای صرب (قوم صرب از نژاد اسلاو (در سربرنیتسا در سال ۱۹۹۵ می‌باشد، و دیگری به پاکسازی قومی اشاره می‌کند که در جاهای دیگر در طول جنگ بوسنیایی ۱۹۹۲-۱۹۹۵ انجام شده است.

دادگاه بین‌المللی جنایی برای رواندا (۱۹۹۴ تا حال حاضر)

دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا (ICTR)، دادگاهی است که سازمان ملل به آن کمک مالی و با آن همکاری می‌کند تا در مورد جرائم مرتکب شده در رواندا در طول نسل‌کشی که در آوریل ۱۹۹۴ اتفاق افتاد پیگیری کند. نسل‌کشی ای که از روز ۶ آوریل شروع شد. (میرمحمد صادقی، همان: ۶۳)

شعبه‌های فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج (۲۰۰۳ تا حال حاضر)

خمرهای سرخ به رهبری پل پوت، تا مک و دیگر رهبران، قتل‌عام کردن گروه‌های ایدئولوژیکی مظنون را ترتیب دادند. بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹، تعداد قربانیان حدوداً ۱/۷ میلیون کامبوجی تخمین زده می‌شود؛ که در این رقم، مرگ ناشی از کار بردگی نیز شامل می‌شود. در ۶ ژوئن ۲۰۰۳، دولت کامبوج و سازمان ملل متحد به توافق رسیدند که شعبه‌های فوق‌العاده را در دادگاه‌های کامبوج (ECCC) تشکیل دهند که این شعبه‌ها منحصراً بر جنایات مرتکب شده توسط مقامات بالا رتبه خمر سرخ در دوره حکومت خمر سرخ از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ متمرکز شود. قضات در اوایل ژوئیه ۲۰۰۶ سوگند یاد کردند. (مومنی، همان: ۶۷)

نتیجه‌گیری

معمولاً واژگان «جنایت جنگی»، «جنایت علیه بشریت» و «نسل‌کشی» به جای یکدیگر به کار می‌روند، گویی همگی به اعمال یکسانی دلالت می‌کنند. اما، این کلمات دارای تعاریف دقیق حقوقی و مفاهیم و پیامدهای متفاوتی هستند. واژه «جنایت جنگی» افعال مختلف و گسترده‌ای را شامل می‌شود، از جمله تجاوز و شکنجه که اگر در زمان صلح یا در شرایط خشونت آمیزی که درگیری مسلحانه نباشد حادث گردند، تحت قوانین ملی قابل مجازات خواهند بود. لذا، «جنایات جنگی» نقض قوانین و عرف جنگ است. با این وجود، هر نقض قوانین جنگ «جنایت جنگی» نخواهد بود. در سال ۱۹۹۸ (کنفرانس رم) تحولی ایجاد شد و دادگاه بین‌المللی کیفری (ICC) به تصویب رسید که هم مستقل و هم دائمی است. نقض قوانین و عرف جنگ تنها زمانی «جنایت جنگی» شناخته می‌شود که به اندازه کافی «جدی» باشد که یعنی مرگ، جراحت، تخریب یا تصاحب غیر قانونی مال را در بر داشته باشد، یا بدون آن که به طور فیزیکی مستقیماً اشخاص یا اشیاء را به خطر اندازند ارزش‌های مهم را نقض کنند. تفاوت میان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت وجود دارد آن است که جنایت جنگی می‌تواند اقدامات منفرد و مجزا بوده در حالی که جنایات علیه بشریت جنایاتی هستند که در مقیاس بزرگ مرتکب می‌شوند. آنچه واقعاً اهمیت دارد آن است که جنایات علیه بشریت به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا نظام مند است که علیه جمعیت غیرنظامی هدایت شده است. طبق تعریف حقوقی اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت نسل‌کشی هنگامی مرتکب می‌شود که یکی از اعمال فهرست شده در بند ۶ «با نیت نابودی بخش یا تمامی یک ملت، قومیت، نژاد یا گروه مذهبی و اینچنین

مرتکب گردد. طبق اصل صلاحیت جهانی، بعضی از جرائم بین المللی به قدری اهمیت دارند که دولت‌ها ملزمند مرتکبین آن جرائم را فارغ از ملیت آنها یا محل ارتکاب جرم پای‌میز عدالت آورند. این یک اصل حقوق عرفی است و بدان معنی است که کلیه دولت‌ها باید از آن پیروی کنند. ولی وقتی به اعمال صلاحیت به دادگاه رسیدند چنین اختیاری را به آن ندادند. ۴ جنایت را بعنوان جرم‌های قابل بررسی در این دادگاه به تصویب رساندند:

۱- جنایت علیه بشریت

۲- جنایات جنگی

۳- نسل‌کشی یا نسل‌زدایی

۴- تجاوز ارضی

وصف تجاوز ارضی هنوز تعریف مشخصی ندارد و باید پس از ۷ سال تعریف آن به تصویب می‌رسید ولیکن در سال ۲۰۱۳ برای مدت ۷ سال دیگر وصف آن تمدید شد.

منابع و مأخذ:

کتاب و مقالات:

۱. ابراهیم یاقوتی، عزیزه بهلولی، مجازات جرم نسل‌کشی در دیوان بین‌المللی کیفری و دیوان‌های رواندا و یوگوسلاوی، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی / سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸.
۲. ابراهیمی، سید نصرالله، تجاوز و دفاع در حقوق بین‌الملل، حکومت اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲۹، ۱۳۸۲.
۳. احمدپور، فتاح (گردآورنده)؛ مجموعه قوانین و مقررات بنیادین نظام بین‌المللی (مشمول بر میثاق جامعه ملل منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، تهران: انتشارات قدیس، ۱۳۸۲.
۴. برنوسیمما، «ناتو، سازمان ملل و جنبه‌های حقوقی استفاده از زور»، ترجمه محمد جعفر قنبری جهرمی، مجله حقوقی شماره ۲۴، سال ۱۳۷۸.
۵. باقری، شریعت، محمدجواد، ۱۳۸۷، حقوق کیفری بین‌المللی، چاپ نهم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.
۶. پوربافرانی، حسن، حقوق جزای بین‌الملل، تهران: جنگل، ۱۳۹۸.
۷. حسینی نژاد، حسین، حقوق کیفری بین‌المللی، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۳.
۸. شفیعی، محمد، «بررسی مشروعیت دخالت‌های نظامی بشر دوستانه از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی شماره ۲۰، سال ۱۳۷۵.
۹. شایگان فرد، حسین، مفهوم نسل‌کشی در پرتو رأی دیوان بین‌المللی رواندا، همایش جهانی شدن حقوق و چالش‌های آن، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
۱۰. عبدالحسین زاده، شراره، بررسی نسل‌کشی و مجازات آن در حقوق بین‌الملل کیفری، شماره ۶، دوره دوم، ۱۳۹۵، شهریور ماه

۱۱. میوه یان، میلاد، مبانی، ارکان و ماهیت جرائم جهانی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶.
۱۲. میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل، چاپ چهارم، تهران: میزان، ۱۳۹۲.
۱۳. ممتاز، جمشید، رنجبریان امیرحسین، حقوق بین المللی بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
۱۴. میرمحمد صادقی، حسین، بررسی جرایم علیه بشریت در یوگسلاوی سابق با نگاهی ویژه به جرایم علیه زنان، تهران، نشر دادگست، ۱۳۸۲.
۱۵. مؤمنی، مهدی، حقوق بین الملل کیفری، چاپ دوم، تهران، مرسسه مطالعات و پژوهشهای حقوق: شهر دانش، ۱۳۹۳.
۱۶. ویلیام شبت؛ مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی؛ ترجمه سیدباقر میر عباسی، حمید الهوتی نظری، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.